

اثبات جایگاه امیرالمومنین (ع) در حدیث منزلت

حدیث منزلت با تعابیر و الفاظ مختلف و در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که از همه مشهورتر در غزوه تبوک بوده است.



حدیث منزلت با تعابیر و الفاظ مختلف و در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که از همه مشهورتر در غزوه تبوک بوده است.

به گزارش خبرنگار مهر، حدیث منزلت با تعابیر و الفاظ مختلف و در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است، از جمله روز پیمان برادری اول (قبل از هجرت به مدینه)، روز پیمان برادری دوم (پنج ماه بعد از هجرت به مدینه)، در منزل امّ سلمه، به هنگام تعیین سرپرست برای دختر حمزه، در ماجرای سد ابواب، و از همه مشهورتر در غزوه تبوک بوده است.

نقل‌های مختلف حدیث منزلت، همگی این مضمون مشترک را دارند که جایگاه و منزلت امام علی (ع) نسبت به پیامبر (ص)، همانند جایگاه هارون نسبت به موسی است. اختلافات اندکی هم که در تعابیر این حدیث وجود دارد، از تکرار آن در مناسبت‌های مختلف و نیز نقل به معنا در احادیث، نشأت گرفته است. بر همین اساس محمد هاشم شفیعی در یادداشتی اختصاصی که در اختیار خبرگزاری مهر قرار داده است به بیان جایگاه حدیث منزلت در جریان غزوه تبوک پرداخته است که در ادامه می‌خوانیم:

غزوه تبوک، آخرین غزوه‌ای بود که در سال نهم هجری قمری در منطقه‌ای به نام تبوک اتفاق افتاد. پیامبر اکرم (ص) بعد از اطلاع پیدا کردن از تحریکات نظامی رومیان در نواحی شام، بی‌درنگ به تدارک سپاه برای مقابله با آنها پرداخت. [۱]

این غزوه به علت دوری راه، گرمای سخت و اوضاع نامساعد اقتصادی حاکم بر زندگی برخی از اصحاب، نام «جیش العسرة» را نیز از آن خود کرد. [۲]

شناخت چهره واقعی منافقان

هر چند این غزوه بدون درگیری به اتمام رسید؛ ولی حاوی پیام‌ها و دست‌آوردهای مهمی از جمله آشکار شدن چهره واقعی منافقان بود؛ [۳] زیرا منافقان علاوه بر دشمن‌هراسی، با کار شکنی‌های خود تلاش در ترساندن مردم از جنگ با رومیان و ایجاد اختلال در جنگ داشتند. [۴] بر همین اساس، این جنگ باعث رسوایی آنان شد؛ چرا که منافقان در راه بازگشت نیز در صدد ترور پیامبر بودند که ناکام ماندند. [۵]

فضیلت حضرت علی علیه السلام در حدیث منزلت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، هنگام حرکت، امیرالمومنین را جانشین خود در مدینه قرار داد. همین امر باعث شد که منافقین با گفتگو در مورد حضرت، شروع به لجن‌پراکنی کنند.

در این هنگام امام علی علیه السلام، بی‌درنگ سلاح برگرفت و خود را به سپاه رساند. اینجا بود که پیامبر اکرم درباره عظمت حضرت فرمودند: «أَتَتْ مِیَّیْ یَمَنْزِلَةَ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِنْ أُمَّةٌ لَا تَبِیُّ بَعْدِیَ»؛ [۶] تو نسبت به من، به منزله هارون نسبت به حضرت موسی هستی، مگر اینکه بعد از من پیامبری نیست.»

شهرت حدیث منزلت

این حدیث به قدری در کتب اهل سنت تکرار شده که علاوه بر تواتر معنوی به تواتر لفظی نیز رسیده است. [۷] حتی شهرتش تا آنجاست که مخالفانی همچون خلیفه دوم با استناد به آن، فردی که به امیرالمومنین علیه السلام دشنام می‌داد را منافق خواند. [۸] همچنین مامون عباسی به این حدیث استناد کرده است. [۹]

اثبات جایگاه امیرالمومنین علیه السلام

از قرار گرفتن این حدیث در کنار آیاتی که در شأن حضرت موسی و هارون است نتایجی گرفته می‌شود.

یک. وزیر پیامبر

پیامبر اکرم با این روایت، لیاقت وزارت را تنها برای امیرالمومنین علیه السلام دانست؛ زیرا در قرآن کریم حضرت موسی از خدا درخواست می کند که هارون را وزیر او قرار دهد. «وَ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ اَهْلِي هَارُونَ اَخِي؛ [۱۰] و وزیری از خاندانم برای من قرار ده، برادرم هارون را.»

دو. جایگاه خلافت حضرت امیر

حدیث به صورت مطلق، امیرالمومنین علیه السلام را به منزلت هارون قرار داده است و قرآن کریم یکی از مقام های هارون را خلافت قرار داده است. «قَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ؛ [۱۱] موسی به برادرش هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باش و (آنها) را اصلاح کن! و از روش مفسدان، پیروی منما.»

سه. شراکت در امر نبوت

یکی از مهمترین مقامات هارون علیه السلام، شراکت در کار حضرت موسی علیه السلام بود، معنای این امر شراکت در کار نبوت است. «وَ اشْرَكَهُ فِي أَمْرِي؛ [۱۲] و او را در امر (رسالت با) من شریک ساز.»

نکته قابل دقت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با جمله «إِنَّا أَنشَأْنَاهُ لَنَا نَبِيًّا بَعْدِي؛ مگر اینکه بعد از من پیامبری نیست» به این نکته ظریف اشاره دارد که امیرالمومنین در امر رسالت من شریک است ولی نبی نیست، که اشاره به همان مقام و جایگاه امامت امیرالمومنین علیه السلام است.

بنابر این، غیر از مقام نبوت، تمام جایگاه هایی که برای هارون مطرح شده، برای امیرالمومنین علیه السلام نیز ثابت است.

پی نوشت

[۱]. المغازی، واقدی، ج ۳، ص ۹۹۲.

[۲]. انساب الاشراف، بلاذری، ج ۱، ص ۳۶۸.

[۳]. سوره توبه، آیات ۴۳-۴۹.

[۴]. سیره النبی، ابن هشام، ج ۴، ص ۹۴۶.

[۵]. اعلام الوری، طبرسی، ج ۱، ص ۲۴۵.

[۶]. مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۹، ص ۱۰۹.

[۷]. رک، نگاهی به حدیث منزلت، میلانی، ص ۲۳.

[۸]. تاریخ بغداد، خطیب، ج ۸، ص ۴۹۸.

[۹]. عقد الفرید، ابن عبدربه، ج ۵، ص ۲۵۷.

[۱۰]. سوره طه، آیه ۲۹.

[۱۱]. سوره اعراف، آیه ۱۴۲.

[۱۲]. سوره طه، آیه ۳۲.